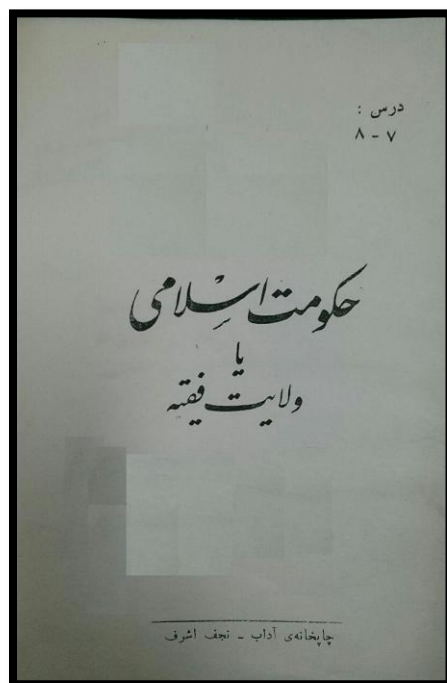


# تہمت در حکومت اسلامی چاہ نجف

ریشہ یابی احکام مہدورالعرض در فقہ و روایات شیعہ

قسمت دوم



محسن کدیور

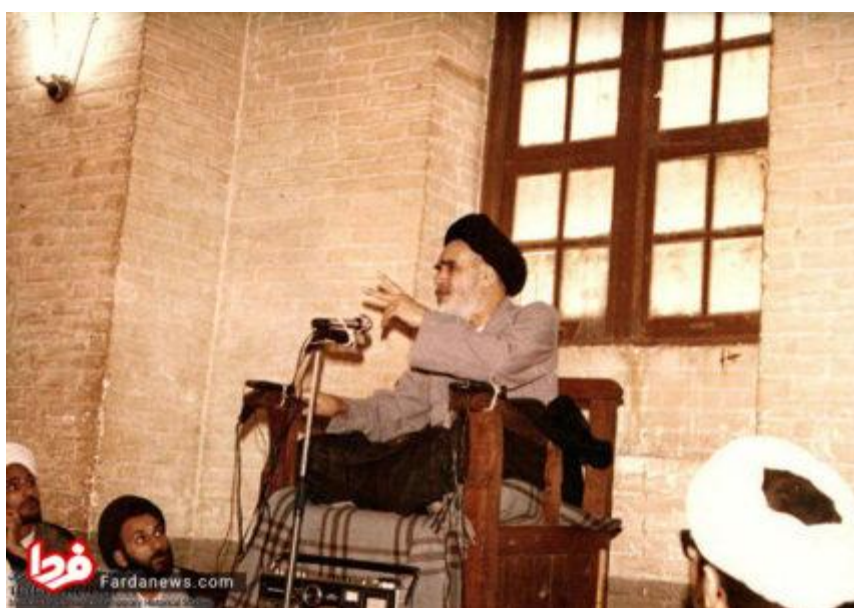
۲۱ بہمن ۱۳۹۷

خلاصه قسمت اول: آقای خمینی در نیمه دوم سال ۱۳۴۶ یا اوایل فروردین ۱۳۴۷ با تهدید صریح روحانیون وابسته به حکومت پهلوی به قطع رگ حیات اقتصادیشان، به مؤمنان اعلام می کند به اینگونه روحانیون وجوہات شرعیہ ندهند. در مقابل نظام شاهنشاهی که می کوشید تا استثنای روحانیون وابسته را به قاعده تبدیل کند یا حداقل اینگونه نمایش دهد، آقای خمینی می کوشید تا استثنای روحانیون مبارز را به قاعده تبدیل کرده و تعمیم و به کل روحانیت تسری دهد. دروس حکومت اسلامی (۱۲ جلسه، ۱ تا ۱۹ بهمن ۱۳۴۸) با اذن بلکه برنامه ریزی آقای خمینی توسط اعضای دفترش ضبط شد تا امکان تکثیر و توزیع داشته باشد، برخلاف دیگر مباحث کتاب بیع که ایشان اجازه ضبط نداده بود. هزینه تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی دروس حکومت اسلامی از سوی آقای خمینی پرداخت می شده است. این تکثیر و توزیع با اشراف عالی ایشان و با نظارت مصطفی خمینی توسط طلاب جوان عضو دفتر ایشان صورت می گرفته است. نیمه دوم زمستان ۱۳۴۸ نوارهای صوتی دروس دوازده‌گانه ولایت فقیه از طریق حجاج و نیز مسافران عتبات به ایران رسیده است. فایل صوتی یازده جلسه از درسهای حکومت اسلامی: ولایت فقیه در خرداد تا مرداد ۱۳۸۹ از رادیو معارف صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. تاریخ پخش درس هفتم روزهای سوم و پنجم تیر ۱۳۸۹ بوده است. متن پخش شده ۴۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه از این درس است و پنج دقیقه آخر پخش شده از رادیو معارف ناقص است، بی آن که کمترین توضیحی برای سانسور صدای بنیانگذار جمهوری اسلامی آن هم از نظریه رسمی کشور ارائه شده باشد. فتوای جواز بلکه وجوب تهمت به آخوندهای درباری از رادیو پخش شده، اما جواز کتک زدن آنها و برداشتن

عمامه‌شان سانسور شده بود. قطعه ای از اواخر درس به طول دو دقیقه و ۲۲ ثانیه به عنوان سخنرانی غیر قابل

پخش امام خمینی در نجف یک سال بعد در یوتیوب نصب شده است!

چاپ کتابچه‌ها و کتاب حکومت اسلامی در نجف



درسهای حکومت اسلامی: ولایت فقیه آقای خمینی نخستین بار در بهمن ۱۳۴۸ در نجف توسط چاپخانه آداب

منتشر شده است. بار نخست به صورت چند کتابچه، هر کتابچه حاوی متن دو درس، و در محرم ۱۳۹۰ (نیمه

دوم اسفند ۱۳۴۸) در قالب کتاب (حاوی متن هر دوازده درس). این دو چاپ هیچ فرقی با هم ندارند. در این

بخش قطعه مورد نظر از اواخر درس هفتم که قبلا فایل صوتی و متن کتبی اش نقل و تحلیل در بخش اول شد،

از چاپ نجف نقل و تحلیل می شود. این بخش شامل هفت بحث به شرح زیر است: پیاده کردن و ویرایش

درسها، چاپ درسها در نجف، پخش کتابچه‌ها و کتاب چاپ نجف، متن فتوای تهمت در ویرایش نجف، فتوای تهمت: مقایسه فایل صوتی با ویرایش نجف، تاملاتی در دلالت ویرایش نجف و آراء مطهری درباره حکومت اسلامی و تهمت. بخش اول از فصل دوم تحقیق «تهمت در حکومت اسلامی» به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب در قسمت اول منتشر شد. اینک در قسمت دوم متن کامل بخش دوم همان فصل تقدیم حضور خوانندگان می‌شود. نویسنده از تذکرات و انتقادات صاحب نظران استقبال می‌کند.



بحث اول. پیاده کردن و ویرایش درسها

دروس دوازده گانه حکومت اسلامی: ولایت فقیه به دستور آقای خمینی توسط طلاب جوان دفتر ایشان به سرعت از نوار پیاده، از حالت گفتاری به نوشتاری تبدیل و ویرایش شد، و پس از رؤیت و تأیید ایشان، هر دو درس در یک کتابچه در مطبعة الآداب نجف چاپ شد. تاریخ انتشار کتابچه اول (دروس اول و دوم) ۶ بهمن

۱۳۴۸ و کتابچه ششم (دروس یازدهم و دوازدهم) دهه سوم بهمن همان سال بوده است. گزارش کار این مرحله را از زبان پنج نفر از دست اندرکاران آن (غالباً از اعضای دفتر آقای خمینی در نجف) به ترتیب تاریخ انتشار به شرح زیر است:

الف. گزارش حمید روحانی: صادق زیارتی بعداً حمید روحانی در کتاب «نهضت امام خمینی» چندین نوبت خود را به عنوان مسئول تدوین و تنظیم متن کتبی دروس ولایت فقیه معرفی کرده، است. او برای نخستین بار در مهر ۱۳۵۹ نقش خود را اینگونه ترسیم کرده: «گردآوری و نگارش از نویسنده این کتاب: ۱. حکومت اسلامی، از درس ۱ تا ۱۲». (۱) چهار سال بعد هم این نسبت تکرار می شود: «از این نویسنده: ۱. حکومت اسلامی یا ولایت فقیه: ۶ جلد (مجموعه ۱۲ درس امام در حوزه علمیه نجف در طرح حکومت اسلامی در سال ۱۳۴۸)» (۲)

در متن کتاب «نهضت امام خمینی»، وی در سال ۱۳۶۴ اطلاعات بیشتری درباره نحوه تدوین کتاب و نقش خود در آن را ارائه کرده است: «چاپ سلسله درسهای حکومت اسلامی: بیش از دو روز از طرح بحث حکومت اسلامی نگذشته بود که در صدد برآمدیم بحث مزبور را از نوار پیاده کرده هرچه سریع تر تنظیم و چاپ کنیم و برای توزیع در مراسم حج به مکه بفرستیم ... نیروی جوان و مبارز حوزه نجف را بسیج کردیم و گروهی را مسئول پیاده کردن نوارهای بحث حکومت اسلامی و دسته ای را مسئول امور چاپ قرار دادیم. نگارنده نیز مسئولیت تنظیم، تدوین و تیرگذاری آن را به عهده گرفت و به این ترتیب کار به سرعت و با موفقیت پیش رفت.» (۳)

ب. گزارش علی اکبر محتشمی پور در سال ۱۳۷۸: «دوستان و شاگردان نزدیک امام برای سرعت کار و انتشار به موقع مباحث «حکومت اسلامی» چند دسته شدند و هر یک مسئولیت قسمتی از کار را به عهده گرفت و در نهایت خدمت امام عرضه می شد، و اگر نیازی به اصلاحات بود ایشان انجام می دادند، و سپس به وسیله برادران دیگرمان یک نسخه برای چاپ و یک نسخه برای ترجمه عربی می رفت.» (۴)

ج. گزارش اسماعیل فردوسی پور در سال ۱۳۸۷: «امام وقتی این مطالب را مطرح کردند ما بعد از درس، به هر حال بعد از پایان جلسه نخست [که] طرح مقدمه حکومت اسلامی بود، رفقا همه جمع شدند و کارها را تقسیم کردیم، آن تشکلی که بوجود آمده بود اینجا خیلی به درد خورد. برای هر یک سلسله مراحل ضبط، پیاده کردن مطالب، تصحیح مطالب و بالاخره چاپ مطالب دو نفر مأموریت یافتند، برخی از آقایان هم مأمور شدند تا عبارات را از حالت سخنرانی به کتابت تبدیل کنند. البته امام در آغاز نظرشان این بود که آن چیزی که گفته است عیناً چاپ بشود، از این رو درس اول عیناً پیاده شد، اما بعد از اینکه امام دیدند و مطالعه کردند فرمودند: اینکه قابل چاپ نیست. این چی هست شما آوردید [!؟] گفتیم: آقا شما فرمودید عین حرف من را بیاورید. امام فرمودند: تصحیح کنید. که ما بعضی از دوستان را مأمور کردیم که این درسها را بعد از پیاده شدن آنها ادیت [ویرایش] کنند و کلاً بررسی بکنند و عباراتش را درست بکنند، نه اینکه تغییر بدهند، همان عبارات را درست بکنند، که برای کسانی که می خواهند بخوانند روان و سلیس باشد. بعد از این کار وقتی مطالب را خدمت امام بردیم و مطالعه کردند، گفتند: حالا خوب است این جوری می شود چاپ کرد؛ و دستور چاپ دادند.» (۵)

د. گزارش محمد رضا ناصری در سال ۱۳۸۹: «در بهمن ۱۳۴۸، ایشان [امام خمینی] درس ولایت فقیه را شروع کردند و گفتند که ضبط صوتی تهیه شود. ما مطالب را ضبط می‌کردیم و از شب تا صبح مطالب را پیاده می‌کردیم و صبح آن را - پس از رؤیت امام - تکثیر می‌کردیم که دوازده جزوه شد و بعدها تغییر و تحولی پیدا کرد.» (۶) «تغییر و تحول» اشاره به ویرایش نجف است که در فصل بعد جزئیات آن خواهد آمد.

ه. گزارش محمدحسن اختری در سال ۱۳۸۹: «وقتی می‌دیدیم نظر امام این است که درس حکومت اسلامی و جزوات و نوارهای آن پخش بشود، اقدام به پخش آن می‌کردیم. اصولاً ما کاری خلاف نظر امام انجام نمی‌دادیم.... حاج آقا مصطفی خودشان در این قضایا بودند و برای پیاده و چاپ شدنش باید از امام پول می‌گرفتیم. قرار بود که پس از چاپ جزوات با علما تماس بگیریم و جزوات را به آن‌ها برسانیم تا همه از عقاید و نظریات امام خمینی مطلع بشوند به همین دلیل من نوارهای ایشان را برای آیت‌الله [سید محمد باقر] صدر بردم.» (۷)

بنابراین این ادعا که «جزوه‌های مباحث امام همان جملات محاوره‌ای پیاده شده بود ... من اعتقاد داشتم این مباحث باید بعد از پیاده شدن ویرایش بشود. منتهی آنها عجله داشتند و می‌خواستند سریعاً این جزوه‌ها را به حج برسانند و در میان حجاج ایرانی توزیع کنند. آن سال این جزوه‌ها را آوردند و من مخالف بودم. می‌گفتم این بیشتر به ضرر ما تمام می‌شد.» (۸) مسموع نیست. به شهادت چهار نفر از دست اندرکاران کار و خصوصاً با مقابله فایل صوتی درسها و کتاب چاپ نجف تردیدی باقی نمی‌ماند که کتاب حکومت اسلامی چاپ نجف

ویراستاری شده و به تأیید آقای خمینی نیز رسیده است. شواهد این ادعا در بحث تهمت در بحث پنجم همین بخش آمده است.

از تحلیل گفتار این اعضای دفتر آقای خمینی که شاهد مستقیم و دست اندرکار قضیه بوده اند نکات زیر به دست می آید:

یک. کلیه مراحل آماده سازی کتاب حکومت اسلامی: ولایت فقیه از ضبط کردن درسها، پیاده کردن، ویرایش و میزان آن، اصلاح و تأیید نهایی ویرایش، حروف چینی و چاپ به صورت کتابچه و بعد کتاب، و توزیع آن با دستور، سرمایه گذاری و نظارت عالی شخص آقای خمینی صورت گرفته است.

دو. مراحل مختلف آماده سازی و چاپ کتاب با مدیریت مصطفی خمینی و توسط حدود بیست نفر از روحانیون مبارز نجف (غالباً شاگردان مصطفی خمینی) انجام شده است. این افراد به ترتیب الفبا عبارتند از: محمدحسین املائی [۱۳۵۸-۱۳۲۶]، [محمد علی] انصاری، رضا برقی، تقی، محمدرضا رحمت، حمید روحانی، محسن زندیه، محمد سجادی عطاآبادی، غلامرضا سلطانی، محمد حسین شریعتی اردستانی (شیخ الشریعه)، [محمدهادی یوسفی] غروی، محمد طاوسی، فاضل فردوسی، اسماعیل فردوسی پور، سیف الله قاسم پور، حسن کروی، علی اکبر محتشمی، باقر موسوی، هادی موسوی، محمد رضا ناصری، نعمتی، و مرتضی نیکنام. (۹)

سه. بین این بیست نفر تقسیم کار صورت گرفته بود. به نحوی که حداقل هر دو نفر مسئول یک بخش کار بودند. این تقسیم کار باعث سرعت بسیار بالای آماده سازی متن کتاب شده بود.



چهار. ظاهراً تقسیم کار بعد از جلسه دوم درسها صورت گرفته و پیاده کردن نیز از همین تاریخ صورت گرفته

یعنی شنبه ۴ بهمن ۱۳۴۸.

پنج. غیر از درس اول که با تاخیر چهار روزه پیاده شده، هر درس بلافاصله بعد از تدریس و آماده شدن نوار از

شب تا صبح پیاده می شده، به نحوی که متن درس هر روز به فاصله ۲۴ بعد به رؤیت آقای خمینی می رسیده

است.

شش. برنامه ریزی اولیه این بود که «آن چیزی که گفته است عیناً چاپ بشود، از این رو درس اول عیناً پیاده

شد.» اما بعد از اینکه آقای خمینی آن را مطالعه کرد به این نتیجه رسید که «قابل چاپ نیست.» و دستور

ویرایش داد، یعنی «عبارات را از حالت سخنرانی به کتابت تبدیل کنند. تصحیح [ادبی] بکنند، نه اینکه تغییر

بدهند، که برای کسانی که می خوانند روان و سلیس باشد.» بنابراین درسهای نجف هرگز بدون ویرایش

منتشر نشده است.

هفت. متن پیاده شده هر درس بعد از ویرایش خدمت آقای خمینی برده می شده، ایشان مطالعه می کردند و بعد

از بررسی و اصلاح نهایی متن ویراسته شده دستور چاپ می دادند. بنابراین اولاً هیچ یک از دروس حکومت

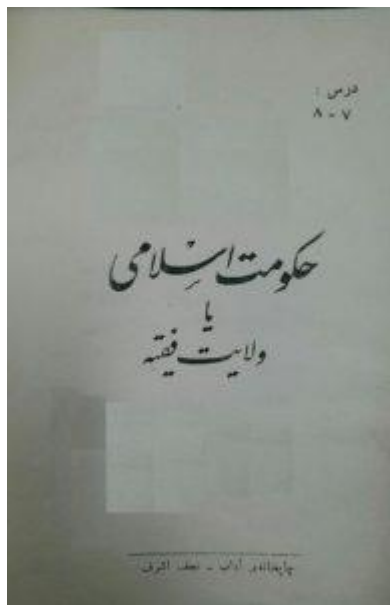
اسلامی بدون ویرایش تکثیر نشده، ثانياً این ویرایشها تا به تایید نهایی آقای خمینی نمی رسیده اجازه چاپ و

انتشار پیدا نمی کرده است.

هشت. نام طلابی که مسئولیت ویرایش را به عهده داشتند در گزارش محتشمی پور، فردوسی پور و ناصری ذکر

نشده است. اما حمید روحانی خود را مسئول «گردآوری، نگارش، تنظیم، تدوین و تیتراژگذاری» درسها و در یک

کلام سرویراستار کتاب چاب نجف معرفی کرده است. ادعایی که ناقل آن کسی غیر از خود او نیست. این امر از جانب دیگر دست اندرکاران کتاب تأیید نشده، البته تا کنون تکذیب هم نشده است. وی متولد ۱۳۲۱ بوده است.



### بحث دوم. چاب درسها در نجف

درسهای حکومت اسلامی: ولایت فقیه بعد از پیاده شده، ویرایش، اصلاح و تأیید نهائی توسط آقای خمینی در مطبعة الآداب نجف حرف چینی و چاب شده است. چاب اول در شش کتابچه، هر کتابچه شامل متن ویراسته دو درس، و چاب دوم تمام دروس شامل متن کامل دوازده درس. تاریخ چاب اول (کتابچه‌های شش‌گانه) بهمن ۱۳۴۸ بوده است: کتابچه اول اواخر ذیقعدة و پنج کتابچه بعدی ذیحجه ۱۳۹۰ ق). تاریخ چاب دوم محرم ۱۳۹۰ ق (نیمه دوم اسفند ۱۳۴۸) بوده است. در این بحث ابتدا گزارش دو نفر از دست اندرکاران تدوین کتاب خصوصا مسئول چاب نجف را روایت می‌کنم، سپس مشخصات کامل چاب اول و دوم نجف را ارائه می‌نمایم.

الف. گزارش حمید روحانی در سال ۱۳۶۴: «فقط پنج روز از طرح بحث حکومت اسلامی از طرف امام گذشته بود که اولین جزوه آن که شامل درس ۱ و ۲ بود از چاپ درآمد ... و درسهای بعدی نیز به ترتیب و به سرعت از چاپ درآمد. مجموع بحث امام درباره حکومت اسلامی ۱۲ درس بود که در ۶ جزوه تدوین و تنظیم گردید و فقط سه جزوه آن به مراسم حج آن سال رسید و در حد وسیعی همراه با خود نوار میان زائران خانه خدا پخش شد و از طریق آنان به ایران فرستاده شد.» (۱۰)

ب. گزارش اسماعیل فردوسی پور در سال ۱۳۸۷: «ما مقید شدیم که هر دو درس را یک جزوه کنیم. درس اول که مقدمه حکومت اسلامی بود آماده شد و ارائه شد. روز بعد هم که ایشان درس را ادامه دادند فوراً پیاده شد. من مسئولیت چاپ آن را به عهده داشتم چون با ابوعمران مسئول چاپخانه نجف آشنایی داشتم. من آنجا بردم و گفتم باید این را شما امشب حروفچینی کنید و فردا صبح به ما تحویل بدهید. گفت نمی شود کتاب نیست که ما بتوانیم بنویسیم این حروفچینی است باید یکی یکی حروفچینی بشود. گفتم هر طوری است به کارمندانان بگویید شب کار بکنند. کارمندی هم که آنجا بود فارسی بلد بود و می فهمید و به ما خیلی کمک کرد، همراهی کردند. ما دوتا درس را که امام می فرمودند دو روز بعدش، جزوه آن را دست شاگردان امام دادیم. بطوری که من خودم در آن ایام خدمت آیت الله [حسین] وحید خراسانی که الآن در قم تشریف دارند درسی داشتم یک روز ایشان به من گفت که من تعجب می کنم این آقا صبح این حرفها را می زند بعد از ظهر جزوه می شود کی اینها را به این سرعت چاپ می کند [!؟] به این ترتیب هر دو درس یک جزوه شد. ما شش تا جزوه درست کردیم که دوازده تا درس بود.» (۱۱)

ج. مشخصات کامل کتاب: «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، [مجموعه جلسات درس آیت الله العظمی خمینی در حوزه علمیه نجف اشرف]، چاپخانه آداب، نجف اشرف، [چاپ اول: ذیقعدہ - ذیحجه ۱۳۸۹ق، بهمن ۱۳۴۸ش]، چاپ دوم، محرم ۱۳۹۰ [۱۸ اسفند ۱۳۴۸ / تا ۱۷ فروردین ۱۳۴۹]، تاریخ درس اول: چهارشنبه ۱۳ ذیقعدہ ۱۳۸۹ مطابق ۱/۱۱/۱۳۴۸، تاریخ درس دوازدهم: یکشنبه اول ذیحجه ۱۳۸۹ مطابق ۱۹ بهمن ۱۳۴۸، [متن هر دو درس جداگانه تنظیم شده و هر کتابچه دارای صفحه عنوان، خطبه و شماره صفحه از ۱ است. تعداد صفحات این شش کتابچه به ترتیب ۳۵، ۳۸، ۳۲، ۳۸ و ۶۶ صفحه و مجموعاً ۲۴۷ صفحه است. در چاپ دوم این شش کتابچه عیناً به هم الصاق شده است]». نسخه ای از چاپ اول کتابچه چهارم (دروس هفتم و هشتم) و چاپ دوم کتاب نزد نویسنده موجود است.

جمع بندی بحث دوم به شرح زیر است:

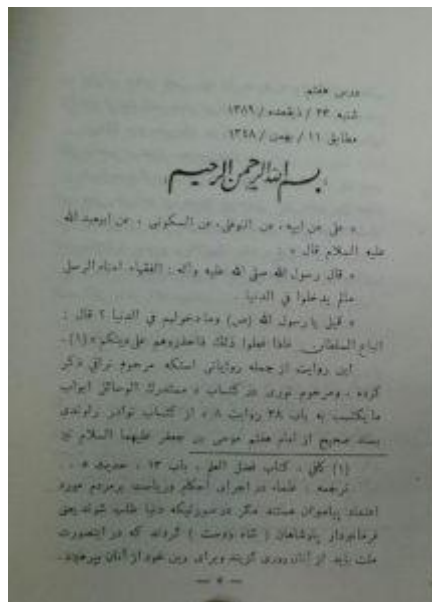
یک. مسئول چاپ کتابچه‌ها (چاپ اول) و کتاب حکومت اسلامی: ولایت فقیه (چاپ دوم) در نجف اسماعیل فردوسی پور عضو روحانیون مبارز نجف و از اعضای دفتر آقای خمینی در نجف بوده است.

دو. ناشر مطبوعه الآداب با مدیریت ابوعمران بوده که با فردوسی پور آشنائی داشته است. حروف چین چاپخانه فارسی می دانسته و چاپخانه حروف فارسی داشته است. ابوعمران با دفتر آقای خمینی همدلانه رفتار کرده است.

سه. طبع نجف فاقد مقدمه است نه کتابچه‌ها (چاپ اول) و نه کل کتاب (چاپ دوم). ترتیب آن ترتیب دروس دوازده‌گانه است. تمام درسها ویرایش شده، از حالت گفتاری به نوشتاری تبدیل شده، عبارات تکراری حذف

شده، مطالب توضیحی قابل توجهی (بیش از یک پنجم اصل دروس القا شده) به آن اضافه شده، متن ویراستاری شده به رؤیت آقای خمینی رسیده و بعد از اصلاح و تصحیح و تأیید نهایی ایشان و با هزینه معظم له چاپ شده است.

چهار. تاریخ انتشار کتابچه اول ۶ بهمن ۱۳۴۸ (پنج روز بعد از شروع درس) است. کتابچه های بعدی ۴۸ ساعت بعد از دروس زوج چاپ و توزیع می شده است. بنابراین تاریخ انتشار کتابچه ششم حوالی ۲۲ بهمن بوده است. سه کتابچه نخست (دروس اول تا ششم) به مراسم حج رسیده است. اول ماه ذیحجه ۱۳۸۹ مصادف با ۱۴ بهمن ۱۳۴۸ بوده و عید سعید قربان مصادف با ۲۳ بهمن. بنابراین سه کتابچه آخر (چهارم تا ششم) در نیمه دوم بهمن چاپ شده است. چاپ دوم کتاب تاریخ محرم ۱۳۹۰ق را دارد. عاشورای آن سال ۲۷ اسفند ۱۳۴۸ بوده است. پنج. انتساب کتاب حکومت اسلامی: ولایت فقیه در هر دو چاپ نجف به آقای خمینی قطعی است. این چاپ به دستور ایشان توسط شاگردانش پیاده و ویرایش شده، شخصا آن را بررسی و اصلاح کرده و سپس اجازه چاپ داده، توسط شاگرد مشخص وی به چاپخانه سپرده شده و در همان شهر نجف که ایشان ساکن بوده از چاپ خارج شده است. هزینه تمامی مراحل کتاب از آماده سازی تا انتشار هم توسط ایشان پرداخت شده است. اگر هر جزء مطالب کتاب مورد رضایت ایشان نبود باید انکار می شد و حداقل از چاپ دوم نجف حذف می شد. هیچ انکاری از ایشان ثبت نشده و هر دو چاپ نجف هم توسط دفتر ایشان منتشر شده است.



### بحث سوم. پخش کتابچه‌ها و کتاب چاپ نجف

در این بحث اسناد و شواهدی از پخش و توزیع کتابچه‌ها و کتاب حکومت اسلامی؛ ولایت فقیه چاپ نجف در

عراق و ایران به ترتیب تاریخ اشاره می‌شود. (۱۲)

الف. گزارش مورخ ۷ اسفند ۱۳۴۸ ساواک: اخیراً خمینی در نجف سخنرای نموده و گفتار وی به صورت جزوه

و نوار به ایران آورده شد، از توزیع آن جلوگیری شده، عاملین شناسائی و نتیجه را اعلام نمایند. ضمناً برخی از

حجاج حامل جزوه مزبور می‌باشند.» (۱۳)

ب. گزارش ۱۹ اسفند ۱۳۴۸ ساواک: «در تاریخ ۴۸/۱۲/۱۷ محمد مهدی موحدی کرمانی، جعفر شجونی،

حسین کاشانی، علی اکبر هاشمی [رفسنجانی]، سید محمد سدهی اصفهانی، دکتر [محمدجواد] باهنر، علی اصغر

مراپید، محمد امامی کاشانی، [حسن] لاهوتی [اشکوری] و احمد توکلی [زاده کرمانی] به مناسبت بازگشت شیخ

فضل الله مهدی زاده محلاتی از مکه به دیدن وی رفتند. در منزل وی سه عدد جزوه چاپی که شش درس از

سخنرانی [آیت الله العظمی] خمینی در آن چاپ شده وجود داشت. مروارید خواست یکی از جزوه ها که حاوی درس ۵ و ۶ بود با خود ببرد. ولی محلاتی اظهار داشت این جزوه ها منحصر بفرد است و قرار است یک نفر بیاید و آنها را ببرد. جزوه های ۱ تا ۴ همان مطالب سخنرانی خمینی است که در اول بهمن ماه ۴۸ در نجف اشرف ایراد نموده است. در جزوه ششم راجع به عاشورا نوشته است... نظریه رهبر عملیات: مطالب سخنرانی های [آیت الله العظمی] خمینی به صورت جزوه ای چاپ و در عربستان سعودی بین حجاج ایرانی توزیع گردیده و بعضی ها نیز جزوه ها مذکور را با خود به ایران آورده اند.» (۱۴)

ج. گزارش عبدالرحیم ربانی شیرازی: به فاصله تقریباً ۸۲ روز پس از آغاز مباحث حکومت اسلامی توسط امام (در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۴۹) آیت الله [عبدالرحیم] ربانی [شیرازی] طی نامه ای به یکی از دستیاران امام به بیان موضوعات و مسائلی که لازم بود در مباحث حکومت اسلامی قرار گیرد پرداخت و نوشت: «... در مورد ولایت فقیه شش درس به خوبی منتشر و در شرف انتشار است و نوارها زیاد و جزوات به صورت پلی کیپی به حدّ وافر بوده و افرادی که نمی شناسم به خوبی به پخش مشغولند. از این حیث نگرانی نیست. عمده ایجاد موج است که باید سخنگویان تعقیب کنند...» (۱۵)

د. «درس ولایت فقیه .... ما مطالب درس را چاپ و پخش می کردیم و محدوده پخش هم فقط حوزه نجف نبود، بلکه عراق و خارج از آن - از جمله تهران - را نیز در بر می گرفت.» (۱۶)

کتابچه ها به مجرد انتشار در نجف بلافاصله به ایران، کویت و دیگر کشورهای منطقه از جمله لبنان و از آنجا به اروپا و آمریکا ارسال می شد. این کتابچه ها از نیمه بهمن ۱۳۴۸ به ایران رسیده است. بر اساس اسناد موجود

کتابچه‌های حکومت اسلامی: ولایت فقیه چاپ نجف در اسفند ۱۳۴۸ و فروردین ۱۳۴۹ در تهران و قم به دست پیروان آقای خمینی رسیده و در حال تکثیر و پخش بوده است.



بحث چهارم. فتوای تهمت در ویرایش نجف

آقای خمینی در اواخر درس هفتم مورخ شنبه ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۸۹ مطابق ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ درباره شیوه مواجهه با آخوندهای درباری و جواز بلکه وجوب تهمت به ایشان بحث کرده است. متن ویراسته این درس همراه با متن درس هشتم در قالب کتابچه چهارم حکومت اسلامی: ولایت فقیه در ۳۲ صفحه در اواسط بهمن ۱۳۴۸ در مطبعة الآداب نجف منتشر شده است. این بحث در چاپ فوق عیناً اینگونه منعکس شده است:



«اشکال سر آنهاست که عمامه بر سر گذاشته و چهار کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده یا نخوانده، و برای

شکم به این دستگاهها پیوسته اند. با اینها باید چه کنیم؟

از آخوندهای درباری بپرهیزید

اینها از فقهای اسلام نیستند. و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و

دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا «جلّ

جلاله» بگویند! اخیراً لقب «جلّ جلاله» به او [شاه] داده اند! اینها فقها نیستند؛ «شناخته شده» اند! مردم اینها را

می شناسند. در این روایت است که از این اشخاص بر دین بترسید؛ اینها دین شما را از بین می برند. اینها را باید

رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت، تهمت که از گناهان کبیره است، به این نوع آخوندها لازم است زده شود، تا

اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می

کنند؛ اسلام را ساقط می کنند.

جوانهای ما کجا هستند؟

باید جوانهای ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهای اسلام، به اسم علماء اسلام این

طور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می کنند باید برداشته شود. من نمی دانم جوانهای ما در ایران مرده اند؟ کجا

هستند؟ ما که بودیم اینطور نبود؟ چرا عمامه های اینها را بر نمی دارند؟ من نمی گویم بکشند؛ اینها قابل کشتن

نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند

این نوع آخوندها (جلّ جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بیایند. لازم نیست آنها

را خیلی کتک بزنند؛ لیکن عمامه هایشان را بردارند؛ نگذارند معمم ظاهر شوند. این لباس شریف است، نباید بر تن هرکسی باشد. عرض کردم که علمای اسلام از این مطالب منزه اند، و در این دستگاہها نبوده و نیستند. و آنهایی که به این دستگاہ وابسته اند، مفتخورهایی هستند که خود را به مذهب و علما بسته اند؛ و حسابشان اصلاً جداست و مردم آنها را می شناسند.» (۱۷)



بحث پنجم. فتوای تهمت: مقایسه تحلیلی فایل صوتی با ویرایش نجف

ویرایش نجف با فایل صوتی تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در این بحث مقایسه صرفاً در عبارت پیش گفته درباره روحانیون درباری و فتوای تهمت متمرکز شده است. جدول شماره یک این دو متن در کنار هم قابل مطالعه هستند.

مقایسه فایل صوتی با صفحه ۱۹-۱۷ ویرایش نجف درس هفتم حکومت اسلامی

فایل صوتی	ویرایش نجف ۱۳۴۸
۱	یک عمامه سرش گذاشته و امثال ذلک، یا چهارتا کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده و رفته است.
۲	اشکال سر آنهاست که عمامه بر سر گذاشته و چهار کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده یا نخوانده،
۳	اینها ایند که وضعیت اسلام را به هم زدند و می زنند و لکه دار می کنند.
۴	و برای شکم به این دستگاهها پیوسته اند. با اینها باید چه کنیم؟
۵	از آخوندهای درباری بپرهیزید اینها از فقهای اسلام نیستند. و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا «جلّ جلاله» بگویند! اخیراً لقب «جلّ جلاله» به او [شاه] داده اند! اینها فقها نیستند؛ «شناخته شده» اند! مردم اینها را می شناسند.
۶	در این روایت است که از دینتان از این افراد بترسید، اینها دین را از بین می برند.
۷	این است که در یک روایتی است که غیبتشان جایز است،
۸	اینها را باید رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت.
۹	در بعضی [روایات] - که من الآن یادم نیست کجاست - هست که تهمت هم به آنها [جایز است].
۱۰	تهمتی که از گناهان کبیره است، تهمت که از گناهان کبیره است،
	در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی وقتها هم واجب می شود؛
	به این نوع آخوندها لازم است زده شود،

## تهمت در حکومت اسلامی چاب نجف

۱۱	[تا] این آخوند اگر آبرو داشته باشد، در جمعیت ساقط شود.	تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند.
۱۲	اگر این [آخوند] در جمعیت ساقط نشود، امام زمان را ساقط می کند، اسلام را ساقط می کند.	اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می کنند؛ اسلام را ساقط می کنند.
۱۳	اینها را باید ساقطشان کرد.	-
۱۴	جوانهای ما باید عمامه شان را بردارند. من نمی دانم [آیا] جوانهای ما در ایران مرده اند؟ عمامه آنها را باید بردارند.	جوانهای ما کجا هستند؟ باید جوانهای ما عمامه آنها را بردارند. [۱] من نمی دانم جوانهای ما در ایران مرده اند؟ کجا هستند؟
۱۵	من نمی گویم [آنها را] بکشند! قابل کشتن نیستند، عمامه شان را در کوچه ها بردارند. چرا جوانهای ما مرده اند؟! ما که بودیم این جور نبود.	ما که بودیم اینطور نبود؟ چرا عمامه های آنها را بر نمی دارند؟ من نمی گویم بکشند؛ اینها قابل کشتن نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند.
۱۶	امثال اینهایی که به اسلام اینجور دارند لطمه وارد می کنند، به اسم فقهای اسلام، به اسم علمای اسلام، دارند اینجور مفسده ها را در جوامع ما ایجاد می کنند، مردم موظفند، جوانهای غیور ما موظفند، که اینها لازم نیست خیلی کتکشان بزنند! لکن خوب عمامه شان را بردارند، نگذارند اینها [بین] مردم معمم بیایند. عمامه شان را بردارند، نگذارند [با عمامه] بیایند. این لباس، شریف است، نباید تن هر کسی باشد.	[۱] عمامه این آخوندهایی که به نام فقهای اسلام، به اسم علماء اسلام این طور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می کنند باید برداشته شود. [۲] مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این نوع آخوندها (جلّ جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بیایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند؛ لیکن عمامه هایشان را بردارند؛ نگذارند معمم ظاهر شوند. این لباس شریف است، نباید بر تن هر کسی باشد.
۱۷	-	عرض کردم که علمای اسلام از این مطالب منزّه اند، و در این دستگاهها نبوده و نیستند. و آنهایی که به این دستگاه وابسته اند، مفت خورهایی هستند که خود را به مذهب و علما بسته اند؛ و حسایشان اصلاً جداست و مردم آنها را می شناسند.

تفاوت‌های فایل صوتی و ویرایش نجف مطابق جدول شماره یک به سه دسته قابل تقسیم است:

الف. حذف‌ها: بندهای ۲، ۶، ۸ و ۱۳ حذف شده‌اند. مورد اول و آخر چندان مهم نیستند. اما دو مورد وسط بسیار مهم بوده‌اند. بند ۶ جواز غیبت افراد متجاهر به فسق است. در حقیقت ایشان آخوندهای درباری را بر این عنوان فقهی تطبیق کرده است: «این است که در یک روایتی است که غیبتشان جایز است». بند هشت اشاره به منبع جواز تهمت به افراد اهل بدعت و شبهه است که باز بر آخوندهای درباری تطبیق شده است: «در بعضی [روایات] - که من الآن یادم نیست کجاست - هست که تهمت هم به آنها [جایز است].»

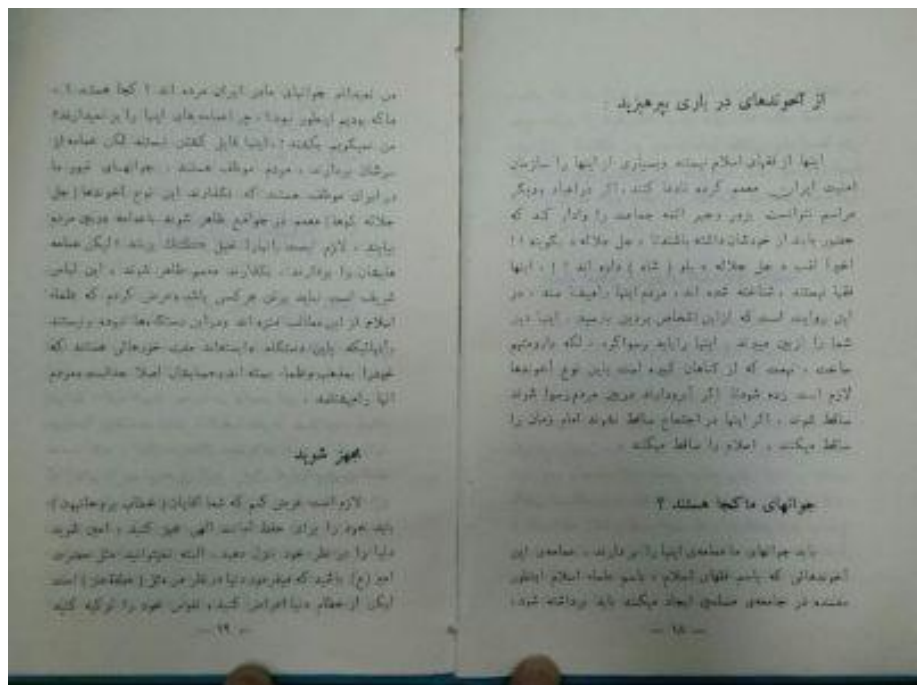
ب. اضافات: بندهای ۳، ۴، ۷ و ۱۷ به متن اضافه شده‌اند. این اضافات در تیزتر کردن بار سیاسی متن به مقتضای شرایط انقلابی آن دوران است. بندهای ۳ و ۱۷ کم‌اهمیتند و به نحوی در دیگر بیانات آقای خمینی یافت می‌شوند. بند ۴ که عبارت نسبتاً طولانی هم هست (۶۸ کلمه) انتساب این گونه روحانیون به معمم شدن از سوی ساواک است، که بار حقوقی دارد و اثباتش ساده نیست: «و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا «جلّ جلاله» بگویند! اخیراً لقب «جلّ جلاله» به او [شاه] داده‌اند!» بند ۷ جواز رسوا کردن و لکه دار کردن روحانیون درباری است که بار فقهی و سیاسی فراوانی دارد: «اینها را باید رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت.» در حقیقت ویرایش نجف از فایل صوتی غلیظ‌تر شده است.

ج. ویرایشها: بندهای ۱، ۵، ۹ تا ۱۲، ۱۴ تا ۱۶ ویرایش شده‌اند. اکثر ویرایشهای انجام شده وفادار به فایل صوتی است. بند ۱۴ با بند ۱۶ فایل صوتی قابل مقایسه است و جابجایی صورت گرفته است. مهمترین و تامل

## تهمت در حکومت اسلامی چای نجف

برانگیزترین ویرایش انجام شده مربوط به بند ۱۰ است که به تشدید سوال برانگیز حکم فقهی انجامیده است. این عبارت دقیق فایل صوتی (بند ۹ و ۱۰) «تهمت که از گناهان کبیره است، در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی وقتها هم واجب می شود» به این صورت ویرایش شده است: «تهمت که از گناهان کبیره است، به این نوع آخوندها لازم است زده شود.» یعنی در فایل صوتی حکم شرعی تهمت به چنین افرادی «دائر بین جواز و وجوب» است. اما در ویرایش نجف تبدیل به «حکم وجوب» شده است.

در مجموع به لحاظ دلالت ویرایش نجف از فایل صوتی در تهمت زدن به عنوان حکم وجوبی بسیار شدیدتر از فایل صوتی است.



بحث ششم. تاملاتی در دلالت ویرایش نجف

ویرایش نجف یقیناً توسط آقای خمینی قبل از ارسال به چاپخانه بررسی و اصلاح شده و سپس به تأیید نهایی معظم له رسیده است، و سپس به دستور ایشان در چاپخانه‌ای در نجف که ایشان در آن زمان در آن ساکن بوده اند با هزینه شخصی خود ایشان چاپ و توزیع شده است. هیچ مدرک و سندی مبنی بر عدم موافقت ایشان با ویرایش انجام شده در چاپ نجف در دست نیست. اگر «مسئله وجوب تهمت به آخوندهای درباری» در چاپ اول بدون اطلاع و رضایت ایشان بوده، و فرضاً ایشان با این امر موافق نبوده، علی القاعده باید از چاپ دوم حذف می شده که نشده است. احتمال اینکه تشدید حکم تهمت در متن کتبی نجف نسبت به فایل صوتی با رضایت ایشان صورت گرفته باشد منتفی نیست.

برخی معاصرین ادعا کرده اند: «این جملات ایشان [جواز تهمت به روحانیون فاسد] که هم اکنون فایل صوتی آن هم موجود است، برای استناد دادن این مطلب به ایشان جای تردید دارد. به دو دلیل: یکی آنکه استناد ایشان به روایت «باهتوهم» به شکل بسیار ضعیف انجام شده و به جای آن که مثل بقیه موارد روایت را از لحاظ سند و دلالت مورد بررسی قرار داده و سپس از آن نتیجه‌گیری فقهی کنند، فرموده اند «در یک روایتی که حالا یادم نیست کجاست» و اصلاً اشاره به متن روایت هم نمی کنند. یعنی از قبل درباره این روایت تامل نکرده بودند و آن را آماده نکرده بودند که بخواهند بخوانند و به آن استناد کنند. دوم آنکه پس از این نقل ارتجالی (ناگهانی و مبهم) هنگامی که در همان سال ۱۳۴۸ کتاب ولایت فقیه را در نجف برای چاپ آماده کردند، این جمله را درباره «تهمت به اهل بدعت» حذف کردند. اگر امام خمینی هم مانند فقهای دیگری بودند که این نظر را پذیرفته‌اند،

وجهی نداشت آن را در همان زمان حذف کنند. این حذف مربوط به دوران جمهوری اسلامی نیست؛ در همان کتاب «مکاسب محرمة» و «کتاب البیع» هم که امام به قلم خود نوشته اند، این مطلب وجود ندارد. وی سپس به نام سه نفر از مراجع معاصر (۱۸) که به جواز تهمت به اهل بدعت و شبهه تصریح کرده اند اشاره کرده، عدم تصریح آقای خمینی به این امر در کتب فقهی ایشان را نشانه عدم باور معظم له به این امر قلمداد کرده است.

(۱۹)

درباره این اظهارات چند نکته قابل ذکر است:

اول. هم‌چنان‌که در قسمت اول گذشت با اینکه آقای خمینی به یاد نمی‌آورد که این روایت کجا نقل شده، اما عبارت «باهتوهم» روایت را نه تنها به یاد دارد، بلکه به جای «مبهوتشان کنید»، معنای «به آنها تهمت بزنید» را مفاد روایت دانسته است. ثانیاً با تصریح به اینکه تهمت از گناهان کبیره است، اما تهمت زدن به کسانی که در دین القای شبهه می‌کنند و بدعت می‌گذارند (که آخوندهای درباری از مصادیق چنین افرادی شمرده شده اند) گاهی جایز و گاهی واجب است. یقیناً هیچ روایت دیگری جز روایت داود بن سرحان نمی‌تواند منظور ایشان بوده باشد. علتی را که ایشان برای ساقط کردن آبروی آخوندهای درباری ذکر می‌کنند دقیقاً برگرفته از همین تک روایت است. بنابراین ایشان مفاد روایت داود بن سرحان را به خوبی به یاد داشته، هر چند محل ذکر آن (کافی، کتاب الايمان والكفر، باب مجالسة اهل المعاصی، حدیث ۴) را به خاطر نداشته است. ضمناً به نظر قاطبه فقهای سنتی طایفه این روایت صحیح السند است، پس ایشان نیازی به بحث سندی نمی‌دیده، دلالتش هم آن‌قدر برای ایشان واضح بوده که تنها تطبیقش بر مصادیق مورد نظر را لازم به ذکر دانسته نه بیشتر.



دوم. این ادعا که در ویرایش نجف این جمله «تهمت به اهل بدعت» را حذف کرده اند، جای بحث دارد. آنچه حذف شده این است: «در بعضی [روایات] هست که من الآن یادم نیست کجاست که تهمت هم به آنها [جایز است].» آنچه به جای آن اضافه شده این است: «اینها را باید رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت.» در چاپ نجف این عبارات هم به جا مانده است: «تهمت که از گناهان کبیره است، به این نوع آخوندها لازم است زده شود، تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می کنند؛ اسلام را ساقط می کنند.» تأمل در همین چند جمله مذکور ویرایش نجف تردیدی باقی نمی گذارد که اولاً آقای خمینی تهمت به اهل بدعت را مجاز و در مواردی واجب می دانسته است. ثانیاً تهمت به آخوندهای درباری را «لازم» دانسته، شدیدتر از فایل صوتی که دائر بین جواز و وجوب بود.

سوم. اینکه بحث مذکور در کتاب البیع وجود ندارد، صحیح است، اما وجه آن عدم باور به فتوای مذکور نیست، بلکه عدم ارتباط آن با مباحث کتاب البیع است. این نیز صحیح است که در کتاب المکاسب المحرمة ایشان مسئله سبّ المؤمن را مورد بررسی قرار نداده اند، اما بسیاری مسائل دیگر مکاسب محرمة را نیز در آن کتاب مستقلاً بررسی نکرده اند از قبیل تنجیم، حفظ کتب ضلال، رشوه، سحر، شعبده، غش، قیادت، قیافه، کهانت، نجش، و هجو مؤمن. در حالی با رجوع به مکاسب محرمة تحریر الوسیله (۲۰) و غیر آن یقیناً نمی توان عدم حرمت این امور را به ایشان نسبت داد. عدم بحث ادله دیگری داشته است. ایشان ملاک چندین مسئله قریب المخرج از جمله سبّ مؤمن را در ضمن دو بحث مفصل غیبت و کذب در المکاسب المحرمة مطرح کرده اند. در فصول دیگر

این تحقیق به تفصیل درباره نظر ایشان درباره تهمت در قم و بوسا بحث خواهد شد و مستندات آرای ایشان در این باره قبل از ۱۳۴۸ش ارائه خواهد گردید.

چهارم. جواز هجاء فاسق مبتدع در کتاب وسیلة النجاة آقا ابوالحسن اصفهانی مندرج نیست، اما در کتاب منهج الصالحین آقای حکیم و بعد از ایشان منهاج الصالحین آقای خوئی آمده است. فقهای مدرسه نجف و هم‌مشریان ایشان که بر منهاج الصالحین و مشایهات آن تعلیقه زده اند درباره فتوای مذکور اظهار نظر کرده اند. اما تعلیقه نویسان بر وسیلة النجاة از جمله آقای خمینی به این امر نپرداخته اند. اینکه نظر دقیق دو گروه در این زمینه چیست موقوف به بررسی تفصیلی آراء گروه نخست در آثارشان و نیز موازین مسوغات کذب و غیبت در آثار گروه دوم از جمله المكاسب المحرمة و نیز برخی فتاوی آقای خمینی در الامر بالمعروف والنهی عن المنکر در تحریر الوسیلة و صحیفه امام به علاوه سیره عملی ایشان است که همگی در این تحقیق موشکافانه به زیر ذره بین خواهد رفت.



بحث هفتم. آراء مطهری درباره حکومت اسلامی و تهمت

این بحث حاوی یک مقدمه و دو مطلب به شرح زیر است: پیغام مطهری به آقای خمینی در اسفند ۱۳۴۸ و نقد عمیق مطهری بر بهتان به نام دین در فروردین ۱۳۵۴.

مقدمه. جلال فارسی تصریح می کند که او و اسدالله لاجوردی در تکثیر کتابچه های حکومت اسلامی چاپ نجف در ایران کوشش فراوان کرده اند. وی مشخصاً نام مرتضی مطهری را ذکر می کند که از طریق وی (یا لاجوردی) این کتابچه ها به دستش رسیده است. (۲۱) مرتضی مطهری در سفر حج (بهمن ۱۳۴۸ش، ذیحجه ۱۳۸۹ق) در جوار خانه خدا به محمود دعائی خبر داده که کتابچه های حکومت اسلامی: ولایت فقیه ویرایش نجف را خوانده است. (۲۲)

الف. پیغام شفاهی مطهری به آقای خمینی در اسفند ۱۳۴۸: مطهری نسبت به مباحث آقای خمینی در کتابچه های حکومت اسلامی نظراتی داشته که اجمالی از آن را محمود دعائی نقل کرده است. «من انتقادات خودم را از این جزوه ها بیان کردم. ایشان [مطهری] هم گفتند بله این جزوها را من هم دیده ام. من هم عقیده شما را دارم. شما اینها را به خاطر بسپارید و به امام بگویید. گفت به امام بگویید الان یک نهضت طلبی وجود دارد. جامعه روشنفکر امروز از غرب و سرمایه داری سرخورده است و از سوسیالیسم و بلوک کمونیست هم سرخورده است. دنبال یک مکتب جدید می گردد. اگر ما بتوانیم نظامات اسلام را و برنامه ها و تز اسلام را در اداره جامعه عرضه کنیم. این امکان وجود دارد که آنها جذب بشوند، منتها باید به شیوه دقیقی عرضه بشود. آقای مطهری گفتند همانطور که اصول فلسفه آقای علامه طباطبایی را به عنوان متن قرار دادم و در حاشیه روش رئالیسم را نوشتم،

بنا داشتیم تنزیه الملة آقای ناسینی را متن قرار داده و به بهانه شرح آن یک سلسله نظامات اسلامی را بنویسیم. اما الآن که امام این مباحث را در حکومت اسلامی مطرح کرده اند، بنا داریم آن را متن و اصل قرار دهم و در شرح آن به مسائل حکومتی اسلام بپردازم. به امام بگوئید که در بهترین موقعیت این مباحث را مطرح کرده اید. الآن بهترین موقعیت است، چون جامعه در پی دانستن آن است که ببیند آیا اسلام ضوابطی برای حکومت دارد یا نه؟ و بهترین فرد هم این مطالب را مطرح کرده است، چرا که باید در سطح مرجعیت مطرح می شد. اگر من مطرح می کردم حداکثر می گفتند یک طلبه فاضل این مسائل را بیان کرده. اگر آقای خمینی هم پانزده سال قبل آن را مطرح می کرد، می گفتند یک آخوند سیاسی این حرفها را زده است. مثلاً نظیر آقای سید ابوالقاسم کاشانی. امام در زمانی حکومت اسلامی را طرح کرده که به عنوان مرجع علی الاطلاق در جهان اسلام جا افتاده است. بنابراین به ایشان سلام برسانید و بگوئید که مبارک است و من بنای چنین کاری دارم. (۲۳)

مطهری ده سال بعد از انتشار کتاب حکومت اسلامی آقای خمینی زنده بود. او نخواست و یا فرصت نیافت در شرح حکومت اسلامی آقای خمینی کاری شبیه آنچه با اصول فلسفه و روش رئالیسم آقای طباطبایی کرد انجام دهد.

ب. نقد عمیق مطهری بر تهمت به نام دین در فروردین ۱۳۵۴: مرتضی مطهری در فروردین ۱۳۵۴ در مسجد جامع بازار تهران در ضمن سخنرانی تحت عنوان «منابع شناخت در اسلام» سیره اولیاء دین را یکی از این منابع معرفی کرد و به تفصیل به تشریح سیره نبوی پرداخت. این مباحث بعداً به عنوان کتاب «سیری در سیره نبوی» در سال ۱۳۶۱ منتشر شد. (۲۴) مطهری درباره بهتان و تهمت بنام دین نکات بسیار مهمی مطرح کرده است:

«دو سخن باطل شایع میان متجددین و متقدمین: در این زمینه یک حرفی در میان متجددین ما پیدا شده و یک حرفی در میان بعضی از متقدمین ما، و هر دوی اینها آنچنان به حقیقت ضربه زده‌اند که خدا می‌داند. اما آنچه که در میان متجددین به اصطلاح طرح شده و خیلی هم رویش تکیه می‌شود، از فرنگیها گرفته شده است و مصریها با این قاعده و به این تعبیر بیان می‌کنند: «الغایات تبرر المبادی» یعنی هدف وسیله را مباح می‌کند. پس کوشش کن هدف مقدس باشد. برای هدف مقدست از هر وسیله ولو نامقدس می‌توانی استفاده بکنی و آنچه که در میان بعضی از متقدمین ما تا حدی معمول شده این است که یک حدیثی نقل می‌کنند که [ البته ] این حدیث هست و حتی شیخ انصاری (رضوان الله علیه) در "مکاسب محرمة" آن را نقل کرده و در دو جا هم نقل کرده، در یک جا تفسیر نمی‌کند ولی در جای دیگر تفسیر می‌کند. آن حدیث این است که اگر اهل بدعت را دیدید یعنی اگر افرادی را دیدند که در دین بدعت ایجاد می‌کنند «فبأهتوهم» "آنهايي که در دین بدعت ایجاد می‌کنند" یعنی افرادی که در دین چیزهایی جعل می‌کنند و می‌آورند که جزء دین نیست "ادخال ما لیس فی الدین فی الدین" را بدعت می‌گویند، یعنی کسی بیاید چیزی را که جزء دین نیست به نام دین وارد دین بکند به طوری که مردم خیال کنند این جزء دین است عکسش هم هست: چیزی را که جزء دین هست کاری بکند که مردم خیال کنند این جزء دین نیست. هر دو صورتش بدعت است.» (۲۵)

«بأهتوهم» از ماده بهت است و این ماده در دو مورد به کار برده می‌شود، یکی در مورد مبهوت کردن، محکوم کردن و متحیر ساختن که در خود قرآن آمده است که حضرت ابراهیم با آن جبار زمان خودش که مباحثه کرد، در نهایت امر «فبهت الذی کفر» [بقره ۲۵۸] او در مقابل منطق ابراهیم درماند، مبهوت شد، محکوم شد، مفتضح

شد، و دیگر در مورد بهتان یعنی دروغ جعل کردن که می‌دانیم در آیه «سبحانک هذا بهتان عظیم» [نور ۱۶]، بهتان عظیم یعنی دروغ بزرگ.... عده‌ای آمده‌اند از این حدیث این جور استفاده کرده‌اند که اگر اهل بدعت را دیدید، دیگر دروغ گفتن جایز است، هر نسبتی می‌خواهید به اینها بدهید، هر دروغی می‌خواهید ببندید، یعنی برای کوباندن اهل بدعت که یک هدف مقدس است از این وسیله نامقدس یعنی دروغ بستن استفاده نکنید، که این امر دایره‌اش وسیع‌تر هم می‌شود. آدمهای حساسی هرگز چنین حرفی را نمی‌زنند. آدمهای ناحسابی گاهی دنبال بهانه‌اند. مکائد نفس عجیب است! مکرهای نفس اماره عجیب است! ... گفته‌اند: اجازه داده‌اند هر دروغی که دلمان بخواهد، برای اهل بدعت جعل بکنیم. بعد با هر کسی که کینه شخصی پیدا می‌کند فوراً به او یک نسبتی می‌دهد، یک تهمتی می‌زند و بعد می‌گوید او اهل بدعت است. شروع می‌کند به جعل کردن، دروغ گفتن و تهمت زدن. چرا؟ می‌گوید به ما اجازه داده‌اند. آن وقت شما ببینید بر سر دین چه می‌آید؟! فرنگی ماب ما می‌گوید الغایات تبرّ المبادی. هدف باید خوب باشد، هدف که خوب بود وسیله هر چه شد شد. متقدم ماب ما هم می‌گوید به ما گفته‌اند باهتوهم، حق داریم هر چه دلمان بخواهد بگوئیم و می‌گوئیم هر چه دل خودمان بخواهد. آن وقت ببینید به سر دین چه می‌آید؟!» (۲۶)

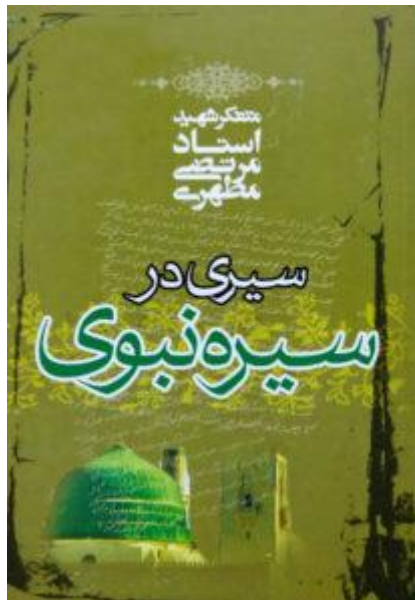
«یکی از راههایی که از آن راه بر دین ضربه وارد شده است از جنبه‌های مختلف، رعایت نکردن این اصل است که ما همان طور که هدفمان باید مقدس باشد، وسائلی هم که برای این هدف مقدس استخدام می‌کنیم باید مقدس باشد. مثلاً ما نباید دروغ بگوییم، نباید غیبت بکنیم، نباید تهمت بزنییم. نه فقط برای خودمان نباید دروغ بگوییم، به نفع دین هم نباید دروغ بگوییم، یعنی به نفع دین هم نباید بی‌دینی بکنیم، چون دروغ گفتن بی‌دینی است. به

نفع دین دروغ گفتن، به نفع دین بی دینی کردن است. به نفع دین تهمت زدن، به نفع دین بی دینی کردن است. به نفع دین غیبت کردن، به نفع دین بی دینی کردن است. دین اجازه نمی‌دهد ولو به نفع خودش ما بی دینی بکنیم.

«ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة» [نحل ۱۲۵] (۲۷)

«بعضی می‌گویند در راه تقویت ایمان، تهمت هم به اهل بدعت بزنید، و به عبارت دیگر برای تقویت ایمان، به اهل بدعت هر دروغی می‌خواهید ببندید. آنها می‌خواستند یک چراغ سبز به اصطلاح بدهند، به بهانه اینکه هدف ما ایمان است و هر وقت هدف ایمان شد اسلام به ما چراغ سبز داده که به دشمنان اسلام دروغ ببندید. گفتیم نه، هرگز اسلام برای ایمان و در راه دعوت به حق و حقیقت، دروغ را اجازه نمی‌دهد به هیچ شکلی و به هیچ نحوی. سایر کارهای مقدس هم از همین قبیل است.» (۲۸)

مرتضی مطهری به حق ساقط کردن افراد متهم به دشمنی با اسلام (از جمله اهل بدعت) را با نسبت دادن امور خلاف واقع از قبیل کذب، بهتان و تهمت مطلقاً جایز نمی‌داند. این برخلاف فتوای جواز بلکه وجوب تهمت به آخوندهای درباری در حکومت اسلامی ویرایش نجف است. تردیدی نیست که وی کوشیده اشتباه استادش را با ظرافت و بزرگواری تصحیح کند. تهمت و بهتان مطلقاً در اسلام ممنوع است حتی به اهل بدعت شبهه. در این باره نکات بیشتری در فصول بعدی ارائه خواهد شد.



#### نتیجه بخش دوم

الف. کلیه مراحل آماده سازی کتاب حکومت اسلامی: ولایت فقیه از ضبط کردن درسها، پیاده کردن، ویرایش و میزان آن، اصلاح و تأیید نهایی ویرایش، حروف چینی و چاپ به صورت کتابچه و بعد کتاب، و توزیع آن با دستور، سرمایه گذاری و نظارت شخص آقای خمینی صورت گرفته است. دستیار اجرایی مصطفی خمینی بوده و مجریان حدود بیست نفر از روحانیون مبارز نجف که بین آنها تقسیم کار صورت گرفته بود.

ب. مطابق دستور اولیه متن درس اول عینا پیاده شده بدون ویرایش خدمت آقای خمینی داده می شود. ایشان نمی پسندد و دستور می دهد متن دروس ویرایش شود، عبارات را از حالت سخنرانی به کتابت تبدیل کنند تا برای خواننده روان و سلیس باشد. اما ویرایش نجف فقط به این امور منحصر نیست و عبارات توضیحی بسیاری (حدود یک پنجم فایل صوتی) به متن اضافه شده است.



پ. متن پیاده شده دروس بعد از ویرایش چند نفر از شاگردان خدمت آقای خمینی داده شده، و بعد از اصلاح نهایی و تایید ایشان روانه چاپخانه می شده است.

ت. نام شاگردانی که مسئولیت ویرایش دروس را به عهده داشتند در گزارش محتشمی پور، فردوسی پور و ناصری ذکر نشده است. اما حمید روحانی خود را مسئول «گردآوری، نگارش، تنظیم، تدوین و تیتراژ» درسها و در یک کلام سروراستار کتاب چاپ نجف معرفی کرده است. ادعایی که ناقل آن کسی غیر از خود او نیست. این امر از جانب دیگر دست اندرکاران کتاب تأیید نشده، البته تا کنون تکذیب هم نشده است.

ث. مسئول چاپ کتابچه‌ها (چاپ اول) و کتاب حکومت اسلامی: ولایت فقیه (چاپ دوم) در نجف اسماعیل فردوسی پور عضو روحانیون مبارز نجف و از اعضای دفتر آقای خمینی در نجف بوده است.

ج. ناشر کتاب مطبوعه الآداب با مدیریت ابوعمران بوده است. حروفچین چاپخانه فارسی می دانسته و چاپخانه حروف فارسی داشته است. طبع نجف فاقد مقدمه است نه کتابچه‌ها (چاپ اول) و نه کل کتاب (چاپ دوم). ترتیب آن ترتیب دروس دوازده‌گانه است.

چ. تاریخ انتشار کتابچه اول (حاوی متن ویراسته دروس اول و دوم) ۶ بهمن ۱۳۴۸ (پنج روز بعد از شروع درس) است. کتابچه‌های بعدی (هر کدام حاوی متن ویراسته دو درس) ۴۸ ساعت بعد از دروس زوج چاپ و توزیع می شده است. سه کتابچه نخست (دروس اول تا ششم) به مراسم حج رسیده است. اول ماه ذیحجه ۱۳۸۹ ق مصادف با ۱۴ بهمن ۱۳۴۸ ش بوده است. سه کتابچه آخر (چهارم تا ششم) در نیمه دوم بهمن چاپ شده است.

چاپ دوم کتاب (حاوی متن هر ۱۲ درس) تاریخ محرم ۱۳۹۰ق را دارد. عاشورای آن سال ۲۷ اسفند ۱۳۴۸ بوده است. چاپ اول و دوم نجف هیچ فرقی محتوایی ندارند.

ح. کتابچه ها به مجرد انتشار در نجف بلافاصله به ایران، کویت و دیگر کشورهای منطقه از جمله لبنان و از آنجا به اروپا و آمریکا ارسال می شده است. این کتابچه ها از نیمه بهمن ۱۳۴۸ به ایران رسیده است. بر اساس اسناد موجود کتابچه های چاپ نجف در اسفند ۱۳۴۸ و فروردین ۱۳۴۹ در تهران و قم به دست پیروان آقای خمینی رسیده و در حال تکثیر و پخش بوده است.

خ. آقای خمینی در اواخر درس هفتم مورخ شنبه ۲۳ ذیقعد ۱۳۸۹ مطابق ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ درباره شیوه مواجهه با آخوندهای درباری و جواز بلکه وجوب تهمت به ایشان بحث کرده است. متن ویراسته این درس همراه با متن درس هشتم در قالب کتابچه چهارم حکومت اسلامی: ولایت فقیه در ۳۲ صفحه در اواسط بهمن ۱۳۴۸ در مطبوعه الآداب نجف منتشر شده است. بحث تهمت مندرج در صفحات ۱۹-۱۷ در هر دو چاپ نجف است.

د. در این کتاب درباره آخوندهای درباری آمده است: «در این روایت است که از این اشخاص بر دین بترسید؛ اینها دین شما را از بین می برند. اینها را باید رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت، تهمت که از گناهان کبیره است، به این نوع آخوندها لازم است زده شود، تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می کنند؛ اسلام را ساقط می کنند.»

ذ. ویرایش نجف از فایل صوتی در فتوای تهمت غلیظ تر است! اولاً عبارت «اینها را باید رسوا کرد، لکه دار و متهم ساخت» که در فایل صوتی نیست، به متن کتبی افزوده شده است. ثانیاً عبارت «در بعضی [روایات] - که

من الآن يادم ليست كجاست - هست که تهمت هم به آنها [جایز است] یعنی منبع چنین ادعای خطیری از متن کتبی حذف شده است. ثالثاً عبارت دقیق فایل صوتی «تهمت که از گناهان کبیره است، در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی وقتها هم واجب می شود» به این صورت ویرایش شده است: «تهمت که از گناهان کبیره است، به این نوع آخوندها لازم است زده شود.» یعنی در فایل صوتی حکم شرعی تهمت به چنین افرادی «دائر بین جواز و وجوب» است، اما در ویرایش نجف تبدیل به «حکم وجوب» شده است!

ر. انتساب ویرایش نجف به آقای خمینی قطعی است. اگر بر فرض محال «مسئله وجوب تهمت به آخوندهای درباری» در چاپ اول بدون اطلاع و رضایت ایشان بوده، و فرضاً ایشان با این امر موافق نبوده، علی القاعده باید از چاپ دوم حذف می شده که نشده است. احتمال اینکه تشدید حکم تهمت در متن کتبی نجف نسبت به فایل صوتی با رضایت ایشان صورت گرفته باشد منتفی نیست.

ز. ادعا شده استناد آقای خمینی به روایت «باهتوهم» به شکل بسیار ضعیف انجام شده و عبارت «تهمت به اهل بدعت» در ویرایش نجف حذف شده، چرا که این نظر اصلی آقای خمینی نبوده چرا که در کتاب البیع و المكاسب المحرمة ایشان این مطلب وجود ندارد، برخلاف تصریح برخی مراجع معاصر به این فتوی. این ادعا ناتمام است اولاً آقای خمینی صرفاً نشانی تک روایت داود بن سرحان را فراموش کرده بد، اما مفاد آن حتی تعبیر باهتوهم به بهتان بزئید (به جای مبهوت کنید) را موبه مو در درس خود بکار برده است. ثانیاً فتوای جواز تهمت به اهل بدعت نه تنها در ویرایش نجف حذف نشده، بلکه با اضافه کردن یک جمله در عوض حذف آنچه ایشان از یاد برده بود و ویرایش سه جمله دیگر از امر دائر بین جواز و وجوب به لزوم تهمت به آخوندهای درباری و

و جوب ساقط کردن آبروی ایشان تشدید شده است. ثالثاً عدم ذکر این بحث در کتاب البیع به دلیل عدم تناسب آن با محتوای کتاب است. اما نپرداختن به آن در کتاب المكاسب المحرمة تلازمی با عدم قول به حرمت مسئله از جانب ایشان ندارد، چرا که ایشان به بیش از ده مسئله که فتوایش حرمت است در این کتاب نپرداخته است.

ژ. نخستین چاپ نجف در نخستین روزهای پخش در ایران در زمستان ۱۳۴۸ به دست مرتضی مطهری رسیده و وی در سفر حج آن سال نظرات شفاهیش را از طریق محمود دعایی به آقای خمینی رسانیده است. مطهری در سخنرانی فروردین ۱۳۵۴ به تفصیل هرگونه تهمت و بهتان در اسلام به نام دین را مردود دانسته و به حق ساقط کردن افراد متهم به دشمنی با اسلام (از جمله اهل بدعت) را با نسبت دادن امور خلاف واقع از قبیل کذب، بهتان و تهمت مطلقاً محکوم کرده است. در حقیقت او با ظرافت اشتباه استادش را تصحیح کرده بود.

قسمت سوم: «قرائت درسهای ولایت فقیه چاپ نجف در رادیو فارسی عراق» به زودی

### یادداشت‌ها

۱. سید حمید روحانی (زیارتی)، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات راه امام، مهرماه ۱۳۵۹، [ص ۹۵۸].
۲. همو، نهضت امام خمینی، جلد دوم، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید، با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، خرداد ۱۳۶۴، [ص ۱۰۲۷].
۳. پیشین، ج ۲، ص ۵۰۷؛ ویرایش دوم: دفتر دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۷۳۰، چاپ پنجم: ۱۳۸۱ و چاپ ششم: ۱۳۸۸. به چاپهای دوم تا چهارم و هفتم به بعد از ویرایش دوم دفتر دوم دسترسی پیدا نکردم. «کتابچه های حکومت اسلامی یا ولایت فقیه ... این بحث را امام در تاریخ چهارشنبه اول بهمن ماه ۱۳۴۸ [۲] [۲۳] ذیقعد ۱۳۸۹) در نجف

اشرف در مسجد شیخ انصاری آغاز کرد و تا ۱۲ [۱۹] بهمن ادامه داد که هر دو درس آن در یک کتابچه از سوی نگارنده تنظیم شد و بیدرنگ به چاپ رسید. ... دوازده درسی که امام پیرامون ولایت فقیه مطرح کردند در شش کتابچه مستقل از چاپ درآمد.» (سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، دفتر چهارم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۵۲) دو غلط در تاریخ شروع و ختام این درسها!

۴. سید علی اکبر محتشمی پور، خاطرات سیاسی، جلد دوم، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸، ص ۵۵.
۵. خاطرات حجت الإسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور، تدوین فرامرز شجاع حسینی و رحیم روح بخش، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱.
۶. خاطرات حجت الإسلام والمسلمین محمد رضا ناصری، در کتاب خاطرات سالهای نجف، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۲۰۱.
۷. خاطرات حجت الإسلام والمسلمین محمدحسن اختری، در کتاب خاطرات سالهای نجف، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد اول، ص ۵۸-۵۹.
۸. امام در نجف، گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، فصلنامه مطالعات تاریخی، متعلق به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، شماره ۱۱، ویژه نامه ۲۲ بهمن، تهران: ۱۳۸۴، ص ۲۳.
۹. برگرفته از خاطرات اسماعیل فردوسی پور، پیشین، ص ۱۲۲-۱۲۱؛ همراه دوران غربت، خاطرات حجت الإسلام والمسلمین سید رضا برقی، تدوین محمدحسین عباسی و علیرضا نخبه، یادها ۴۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۶، ص ۹۲؛ و خاطرات محمد رضا ناصری، در کتاب خاطرات سالهای نجف، تهران، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۰. در مورد اسم کوچک انصاری اطمینان ندارم. اسم کوچک ثقفی را نیافتم. در عضویت این افراد در روحانیون مبارز نجف تردیدی نیست، اما اینکه ایشان در بهمن ۱۳۴۸ چنین موقعیتی داشته اند در منابع مذکور اطلاعات دقیقی ارائه نشده است. تاریخ پیوستن شهید محمد منتظری به روحانیون مبارز نجف سال ۱۳۵۰ بوده است. ظاهراً محمود دعایی مسئول روحانیون مبارز در رادیو فارسی عراق در مراحل مختلف کتاب ویرایش نجف نقشی نداشته است.
۱۰. سید حمید روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، جلد دوم، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید، با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، خرداد ۱۳۶۴، ص ۵۰۷؛ ویرایش دوم: دفتر دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۷۳۰، چاپ پنجم: ۱۳۸۱، و چاپ ششم: ۱۳۸۸.

۱۱. خاطرات اسماعيل فردوسى پور، ص ۱۴۲-۱۴۱. «در يك فرصتى (رسيدن سخن در درس مكاسب به بحثهاى ولايت فقيه) [مبحث] ولايت فقيه را به طرز كلاسيك و دسته بندى شده در دوازده درس - كه در قالب شش جزء چاپ شد - طرح فرمودند و پياده كردند. براى فراگيرى و استماع آن ابخات، مسجد شيخ از خاص و عام مملو مى شد. (حجت الاسلام والمسلمين غلامرضا عرفانيان يزدى؛ صحيفه دل، به كوشش حميد بصيرت منش و احمد ميربان، تهران: دفتر تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۲)
۱۲. «طلاب و فضلاى حاضر در بحث حكومت اسلامى آيت الله العظمى خمينى با تكثير و پخش جزوات درس اولين قدم براى تكثير بيشتتر آن را فراهم آوردند.» (هفت هزار روز تاريخ ايران و انقلاب اسلامى، پديد آورنده: بخش خاطرات بنياد تاريخ انقلاب اسلامى ايران، زير نظر غلامرضا كرباسچى، تهران: بنياد تاريخ انقلاب اسلامى ايران، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۳۸۷، وقايع ۳ بهمن ۱۳۴۸) تاريخ تعيين شده فاقد دقت است.
۱۳. روحانى زيارتى، نهضت/امام خمينى، جلد دوم، ۱۳۶۴، ص ۵۱۸.
۱۴. اكبر هاشمى رفسنجانى، دوران مبارزه، زير نظر محسن هاشمى، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، گزارش مورخ ۱۹ /۱۲/ ۴۸ ساواك، ص ۹۵۶.
۱۵. روحانى زيارتى، نهضت/امام خمينى، جلد دوم، ۱۳۶۴، ص ۵۲۴؛ فرج الله الهى، ربانى شيرازى آيه استقامت، مجموعه ديدار با ابرار ۵۲، تهران: مركز چاپ و انتشار سازمان تبليغات اسلامى، ۱۳۷۳، ص ۱۰۸.
۱۶. خاطرات محمد رضا ناصرى، در كتاب خاطرات سالهاى نجف، ج ۲، ص ۲۰۱.
۱۷. حكومت اسلامى يا ولايت فقيه [كتابچه چهارم: دروس هفتم و هشتم]، چاپخانه آداب، نجف اشرف، درس هفتم: شنبه ۲۳ ذيقعدة ۱۳۸۹ مطابق ۱۱ بهمن ۱۳۴۸، ۳۲ صفحه، [تاريخ انتشار: اواسط بهمن ۱۳۴۸]، ص ۱۷-۱۹. مطلب مورد بحث در ص ۱۷-۱۹ جزء چهارم: درس هفتم چاپ دوم عينا مطابق چاپ اول است.
۱۸. آقاىان ميرزا جواد تبريزى در ارشاد الطالب، سيد تقى قمى در مبانى منهاج الصالحين و محمد صادق روحانى در فقه الصادق.
۱۹. محمد سروش محلاتى، تهران: ايرناپلاس، ۱۳۹۷/۹/۲۹، واكنش استاد حوزه علميه به بهتان بى بى سى به امام [خمينى].
۲۰. روح الله الموسوى الخمينى، تحرير الوسيلة، دمشق: سفارة الجمهورية الاسلامية الايرانية، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۴۵۱-۴۵۲، مقدمه كتاب المكاسب والمتاجر، مسائل شماره ۱۵-۱۷.
۲۱. فصلنامه تاريخ و فرهنگ معاصر، سال اول، جلد اول، مهر ۱۳۷۰، زير نظر سيد هادى خسروشاهى و رسول جعفرىان، بخش خاطرات، زواياى تاريخ معاصر، جلال الدين فارسى، ص ۱۷۵؛ جلال الدين فارسى، زواياى تاريخ، تهران: انتشارات حديث،

بهار ۱۳۷۳، ص ۱۴۰؛ تاريخ مبارزات معاصر در گفتگو با جلال الدين فارسي، فصلنامه كتاب نقد، صاحب امتياز پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي، مدير مسئول: علي اكبر رشاد، تهران، شماره سيزدهم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۹۱-۱۹۰؛ و حاشيه جلال الدين فارسي بر كتاب رسول جعفریان، جريانها و سازمانهاي مذهبي سياسي ايران سالهاي ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، چاپ اول ۱۳۸۰، چاپ سيزدهم ۱۳۸۹، ص ۳۳۹.

۲۲. فصلنامه مطالعات تاريخي، متعلق به مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي سياسي، شماره ۱۱، ويژه نامه ۲۲ بهمن، تهران: ۱۳۸۴، امام در نجف، گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمين سيد محمود دعائي، ص ۲۴.

۲۳. پيشين. البته با توجه به فاصله ۳۶ سال بين شنيدن و نقل ميزان دقت اين نقل جاي تامل دارد.

۲۴. مرتضي مطهري، سبزي در سبزه نبوي، مقدمه ناشر بر چاپ بيست و هفتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، ص ۹.

۲۵. مطهري، پيشين، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۲۶. پيشين، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۲۷. پيشين، ص ۱۲۴.

۲۸. پيشين، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۲۱ بهمن ۱۳۹۷



[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

<https://kadivar.com/16895>

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.